

# کتابخانه مبارکه مدرسه فیضیه

از دانشمند محترم  
جناب آقای غفوری

درسهائی از اخلاق

## عدالت

- ۱- رعایت حد وسط، در تمام نیرو های موجود در انسان را عدالت می‌نماییم.
- ۲- برقراری هر چیزی ، بسته باین است که يك تعادل با یدار داشته و اگر هم فشارهای خارجی او را منحرف کرد ، بزودی بحال تعادل برگردد .
- ۳- هر چیز را در جای خود نهادن و بکار بردن، و هر کار را در موقع خود انجام دادن ، عدل ، و در غیر محل و مورد ظلم است (وضع شیء در غیر محل = ظلم)
- ۴- همچنانکه سلامتی بدن ، مر بوط به تعادل درجه حرارت و نظم عالم و حرکات کرات و ذرات ؛ دایره مدار تعادل قوای جاذبه و دافعه است، انسان نیز که جزئی از عالم است ، باید در صدد تعادل قوای خویش بوده و انحراف نیابد
- ۵- بدترین صفات زشت ، ظلم و تجاوز از حد بوده و ظلم بر سه قسم است :

۱- ظلم بنفس و ضایع کردن خویش ، در اثر غفلت و هم نشینی با بدان و آلودگی به عادت زشت .

۲- ظلم بغير ، چه زبردست باشد ( حیوانات - خد متکار و ... )  
 چه مسادی ( پامال کردن حقوق افراد ) چه بزرگتر مثل ادا نکردن حقوق والدین و کسانی که بانسان نیکی کرده اند .

۳- که از همه اقسام ظلم بزرگتر و منشأ همه مفاسد است ، نشناختن حق خالق و مدبر عالم ، که همه از سفره احسان او بر رهنمند بوده و هر چه داریم از اوست ( ان الشرك لظلم عظیم ) سورة لقمان .

آنچه مرام و مقصد نهائی عموم پیغمبران و پیشوایان حقیقی دین بوده ، برقراری عدل و رعایت حق در اجتماع میباشد از دو طریق :

۱- اصلاح بزرگان قوم ۲- آشنا کردن مردم بوظیفه .  
 بیشتر همت انبیا متوجه هدایت اکابر قوم ، در هر زمان که از جاده عدل کنار رفته بودند شده چنانکه در قرآن می فرماید: ولقد ارسلنا موسیٰ بآیاتنا و سلطان مبین الی فرعون و هامان و قارون

با اینکه حضرت موسی ، مأمور هدایت عموم مردم بوده؛ عمده مأموریت او راهدایت فرعون ( نمونه تکبر و جاه پرستی ) و هامان ( نمونه غفلت ، جهل هر کس با اغفال ) و قارون ( نمونه حرص و تجمل پرستی و مستی ) که سه فرد رتبه اول آن روز بودند ، شمرده ، گویا میخواهد بفهماند : اگر بزرگان و متصدیان امور ، عادل شوند کم کم جزئیات امور حال تعادل خواهد یافت .

راه دوم هدایت انبیاء ، روشن کردن ذهن مردم که بندگی غیر

# کتابخانه مبارکه مدرسه فیضیه قم

مکتب تشیع

۲۷۴

خدا ناکندند و از غیر او بیاری نخواهند و در اثر اعتقاد قلبی، بعظمت خدای یگانه و روز حساب، همه وظیفه خود را شناخته و عمل کنند، و بدانند هر کس در گرو اعمال خویش بوده، کاشته خود را می درود کل نفس بما کسبت و رهینه و سر نوشت اقتصادی و اجتماعی هر قوم متناسب با روحیه و افکار و اعمال آنها میباشد ان الله لایغیر ما بقوم حتی یتغیروا و اما بانفسهم.

از دیدن نظم تقسیم غذا بطور عادلانه در مزاج جوانداران و رسیدن آب و مواد غذایی از ریشه درخت به تمام اجزاء بطور مساوی، باید درس انجام وظیفه و رعایت حقوق دیگران و بسیاری حقوق دیگر گرفت.

نتیجه حکمت و عفت و شجاعت، عدالت بوده و در اسلام شرط امامت، قضاوت، شهادت و عدالت دانسته و شمردن عدل جزء اصول مذهب (علاوه بر جهت فرعی (۱) مطلب) اهمیت موضوع را رسانده و شایسته است هر معتقدی را در همه مراحل زندگی، ترغیب به عدالت نماید و خداوند می فرماید: *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

ان الله یأمر بالعدل و الاحسان و ایفاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی

هر يك از ما باید در هر مرحله که هستیم، عادل باشیم، یعنی از حد خود تجاوز نکرده و جای هر کار، و وظیفه هر عضو را دانسته، و هر کاری را که در اجتماع بعهده گرفتیم، خوب انجام دهیم، خواه از ما قدر دانی بشود یا نشود.

(۹) در مقابل بعضی فرق

## سروش تربیتی

میدانیم که خواسته‌های نفسانی، در همه وجود دارد و اگر کسی را از آن چه دلش می‌خواهد، گرچه بصالحش نیست منع کنیم. ناراحت شده و چه بسا براهنمای خود نیز بدبین می‌شود<sup>۱</sup> و بقاعده حب‌الشی‌یهمی و یصم بواسطه‌علاقه بدلخواه خود، از توجه بعاقبت زشت و فهم حقیقت امر، گرو گور باشد.

ولی همان‌طور که يك بچهٔ مریض را می‌توان بطرق مختلفه، بخوردن دوی تلخی که بنفع اوست ولی او اکراه دارد، وادار کرد، یا با وعده یا با وعید و تهدید، یا بیان مصالح و منافع دوا اگر فهم و تشخیص کافی داشته باشد، و باید در هر صورت وعده‌ها را عمل نمود، تا بچه برآستی گفتار گوینده برخوردار.

چون بشر موجودی اجتماعی بوده، و ناچار بزندگی دسته جمعی است و در ضمن بواسطهٔ حس برتری جوئی و استخداضعیف تر از خود، کشمکشهایی ایجاد می‌کند. لذا برای اداره کردن اجتماع بشر و جلوگیری از نزاع دائمی مقرراتی وضع شده و می‌شود.

این مقررات که بنام قانون خواهد بود، اگر از ناحیهٔ افراد عادی بشر باشد، بواسطهٔ ضعف علمی و عدم احاطهٔ کامل و احتمال دخالت اغراض و جانب داری، ریشهٔ استواری نخواهد داشت، و انگمی بهترین قوانین با داشتن بهترین ضامن اجرا، فقط در مورد رفتار مردم بادیگران است، و تنه‌ام‌مکن است؛ جلوگیری از تجاوزات بوسیلهٔ قوای قاهره بشود.

ولی مهم‌ترین رکن اساسی اصلاح جمعیت، تربیت کردن افراد است بطور شایسته، که بدون آن که قوه قاهره‌ای آنها را تهدید کند، بخوبی متمایل باشند.

ولا اقل باید این معنی در متصدیان امور اجتماع، واجراکنندگان قانون باشد، تا هر کس بحق خود رسیده و تبعیض در کار نیاید و لذا باید بجنبه تربیتی مردم از نظر اخلاقی بیشتر اهمیت داد و همین است روش فلاسفه - پیشوایان قبلی - پیغمبر اسلام.

برای ترغیب مردم بر رعایت فضائل اخلاقی سدراموجود است:

۱- بیان کردن آثار کارهای خوب آن‌ها از قبیل: عزت یافتن در میان جامعه، مورد اطمینان شدن، رونق کار و کسب، سرافرازی، رسیدن بمقامات عالیه.

و بآن‌ها فهمانده شود که در صورت عدم رعایت جهات اخلاقی و ارتکاب کارهای زشت، مبتلی باموری از قبیل - منفوری در اجتماع، سرشکستگی، بی اعتباری، ذلت، مورد بی اعتنائی اشخاص دانا و بالاخره مجازات - خواهد شد.

۲- گوشزد کردن آثار طبیعی و اقتصادی اعمال، از قبیل: فراوانی نعمت، وسعت رزق؛ خوشی زندگانی، سازگاری اوضاع و احوال، جلوگیری و برطرف شدن امراض و بلاها و گذرانیدن عمر بادل خوش، و همچنین متوجه کردن آن‌ها ب نتیجه نهایی و غیر منفک اعمالشان در آخرت و اینکه هر کس در گرو اعمال خویش بوده و نتیجه صفات بد و ظالم، یک محرومیت دائمی از نعمتهای واقعی و جاویدان حضرت حق است.

۳- علاوه بر ایجاد حس مسئولیت در مقابل گفتار و کردار، او را متوجه يك حقيقت بزرگ که محیط بر او و همه چیز و مبدء هر خير و فضیلتی است، نموده و بآنها فهمانده شود که خوبی راننها برای خوبی آن بجا آورند و بدی را چون بداست، ترك کنند، اگر چه تهدید و فشاری نیز نباشد.

در دیانت اسلام؛ علاوه بر مراقبت شدید بر گفتار و کردار و حتی نیات مردم دان تبدیل و امانی انفسکم او تخفوه بحاسبکم به الله و بیان يك سلسله قوانین جزائی و حقوقی بسیار دقیق و متین و توجه دادن بآخرت و رسیدن به نتیجه اعمال، انسان را متوجه بمبدء قوی و عزت ها نموده یاد آور می شود که ان القوة لله جميعا و بنا بر این دقیقترین اسلوب تربیتی را بکار برده و در سایه این تعلیمات، رجال بزرگ و فدا کاری در این مکتب پیدا شده اند که موجب افتخار بشریت اند.

### لزوم و اهمیت اصلاح

میدانیم که اصلاح و تربیت صحیح باعث ارزش هر چیزی است، باغی که روی اصول صحیح فلاحت درست شده، با آنکه خود رو و ناسا منظم است.

اطاقی که انانیه اش درهم و برهم شده با طاقی که هر چیز آن در جای خود قرار گرفته:

کتابخانه ای که کتابهای آن بطور بی نظمی رویهم ریخته، با آن که کتابها یش منظم در قفسه های مخصوص بخود قرار گرفته و دارای

نمره های منظم و فهرست باشد.

و همچنین یکفرد انسان ، یا جمعیتی که آشنا بوظیفه خویش بوده ، راستگو ، ادین ؛ وظیفه شناس ، عاقبت اندیش ؛ تربیت شده باشد ، با دیگران که هرزه و خود خواه و لا ابالی بار آمده اند ، اگر مقایسه شوند بخوبی فهمیده می شود که تربیت صحیح و نظم ؛ تاچه اندازه در خوبی و ارزش اشیا ، و اشخاص مدخلیت دارد .

هسته تلخی که کاشته شده در اثر تربیت باغبان با تجربه و پیوند اصیل و صحیح ؛ می تواند درخت باروری که میوه های شیرین دارد بشود .  
 یک بچه در دامان مادر عقیقه و فهمه با تجربه و خیر خواه و همنشین بارقمای صالح و نیک ، فرد صحیح و خیر خواه و منظمی بار آمده و اگر به حال خود گذاشته شود ، بخصوص در محیطهای آلوده ؛ فردی نالایق ، و هرزه از کار در خواهد آمد .

آری ما انسانیم و ارزش انسان ، بتربیت و تهذیب و تزکیه ( پاک کردن ظاهر و باطن ) و بالاخره استفاده از نیرو های موجوده در او می باشد .

بنابراین بر همه ملازم است خود را کنترل کرده و اگر بدیهائی در خود سراغ داریم ، در صدد رفع آن بر آئیم و قرآن کریم نیز رستگاری و نجات و رسیدن بآنچه را بشر در استعداد دارد ، منوط بپاک کردن خود از بدیها میداند .

در سوره شمس میفرماید **قدا فلاح من زکیهها** و قد خاب من دسیها یعنی رستگار شد کسی که پاک کرد نفس خود را و محروم شد کسی که

آلوده کرد آنرا.

حال از خود می پرسیم راه اصلاح کدام است؟

اگر بخواهیم: مریضی را که افراط در خوراک و آنچه صلاح مزاج او نبوده نموده است، معالجه کنیم، یا یک منبع آب کثیف و آلوده، نظیف شود؛ یا یک دیوار مغزوبه، و قدیمی اصلاح و تمیز شود، یا یک باغ در هم و برهم و پر از سنگ و خاشاک آباد شود چه باید بکنیم؟

آیا صلاح است قبل از هر چیز بمریض غذاها مقوی و کافی داده، یا آب تازه، روی همان آبهای کثیف حوض بسته شود، و روی همان خاکهای مرده دیوار را گچ بمالیم، و در بین سنگها و خاشاکها و علفهای هرزه باغ، نهالهای خوب و اصیلی غرس کنیم!

یا باید اول مزاج مریض را پاک کرده و دستور پرهیز بساوداد، و بوسیله دواهای مناسب و غذاهای ملین مخصوص، کم کم او را براه انداخته سپس تقویت کنیم.

آب آلوده را از حوض بیرون ریخته، داخل حوض و مجرای آب را تمیز کرده و مواظب باشیم آب آلوده دیگر وارد حوض نشود و آبهای تمیز و سالم وارد حوض کنیم.

خاکهای مرده دیوار را تراشیده و زمین باغ را اول برای زراعت مهیا کرده و سپس در صدد تعمیر و اصلاح برآئیم.

بدون تردید راه دوم بهتر و عاقلانه تر است، بلکه راه اول اصلاً نتیجه

اش صفر یا نزدیک صفر است



بنابر این اگر بخواهیم خود را اصلاح کنیم، باید اول به بینیم چه نواقصی داریم، چه بدیهادر ما رخنه کرده، چه عادت‌های ناشایست داریم، در ضمن یک بر نامه اصلاحی صحیح و مثبت، مواظب ترك بدیها باشیم.

و خلاصه مراتب ترقی روحی، اول تخلیه - خالی کردن نفس از بدیها -  
 و دوم تجلیه - انجام امور نیک - سوم تجلیه - زینت دادن خود بفضائل  
 اخلاقی - می باشد، که با اصطلاح شرعی: ترك محرّمات - انجام واجبات،  
 مواظبت بر مستحبات و دوری از مکروهات می باشد.

کتابخانه مدرسه فیضیه قم

